

## مقدمه‌ای بر واجشناسی گویش نایینی

سیدحسن پورعابدی نایینی \*

### چکیده

نایینی یکی از گویش‌های رایج در ناحیه مرکزی ایران و جزء شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است که در شهرستان نایین استان اصفهان (ماد بزرگ در روزگار باستان) رواج گسترده‌ای دارد. دانشمندان اروپایی نخستین پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره این گویش را، در سده نوزدهم انجام دادند؛ مانند آمده کری (۱۸۹۶)، ویلهلم گایگر، ولادیمیر ایوانف، اسکار مان و کارل هدنک (۱۹۲۶). پژوهشگران ایرانی، تاکنون، به بررسی زبان‌شناختی این گویش پرداخته‌اند. این مقاله توصیف ساختمان واجی گویش نایینی را مورد بررسی قرار داده‌است.

**واژگان کلیدی:** گویش نایینی، واج‌شناسی، ساختمان واجی.

---

\* کارشناس ارشد زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نایین، [purabedi@niau.ac.ir](mailto:purabedi@niau.ac.ir)



## ۲.۱. پیشینه تاریخی

### ۱.۲.۱. ریشه واژه نایین

این نام، شاید از واژه نای (nây)، صورت دیگر واژه «نی» گرفته شده باشد که همان رستنی مردابی است که در گذشته‌های دور، پهنه‌ای بسیار فراخ را در سرزمین‌های میانی ایران می‌پوشانده است. نیز صفت نسبی است؛ زیرا این تکواژ، در دیگر جای‌نام‌های پیرامون نایین نیز وجود دارد؛ از جمله در نیاسنه (niyâsona)، نیستانک (neyestânak)، نیسیئن (neysiyon)، نیسیان (neysiyân)، کنگا نی (keng o ney) و کهنگ. توضیح دیگری برای مفهوم واژه نایین تحول آن از ترکیب نوآیین است؛ به معنی جایی که مردمانش به دین نو (اسلام) گرویده‌اند. به هر روی، یادمان‌هایی کهن هم‌چون دژ باستانی نارنج‌قلعه پیدایش این شهر را در پیش از اسلام نشان می‌دهد.

### ۲.۲.۱. گذشته تاریخی نایین

استان باستانی فارس (پارسا) مرکز سازمان‌های اداری و کشورداری هخامنشیان بود. این استان، در دوران فرمانروایی ساسانیان به پنج کوره یاخوره (استان امروزی) بخش می‌شد و هر کوره چند ناحیه بزرگ و کوچک را در بر می‌گرفت. این تقسیم‌بندی پس از اسلام هم پابرجا ماند. کوره استخر فراخترین کوره‌های پارس بود و در یزد، بزرگ‌ترین ناحیه آن، شهرهایی هم‌چون کته (یزد)، فهرج، مید و نایین جای داشت. همه این شهرها، پس از اسلام مسجد جامع داشتند: مسجد آدینه (مَجَّی آینه maččey âyna) یا جامع نایین، از کهن‌ترین مسجدهای ایران به شمار می‌رود.

از نظر خدماتی و اداری، شهر نایین پیش از اسلام، بخشی از ناحیه یزد بود و پس از اسلام نیز چنین موقعیتی را کمابیش حفظ کرد. در کتاب حدودالعالم (نیمه دوم سده چهارم) شهری آباد توصیف شده است (رک: مولف ناشناس، ۱۳۷۲: ۳۸۱). ناصر خسرو در نیمه

نخست سده پنجم، از نایین عبور کرده، ولی اشاره‌ای به اوضاع و سیمای کلی آن نکرده است.

آثار مهم و برجسته پس از اسلام، هم‌چون گلدسته مسجد جامع (آدینه)، مسجد باباعبدالله، امامزاده سلطان سیدعلی و مصلائی نایین، نشان دهنده تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی در دوره‌های تاریخی گوناگون هم‌چون دوره فرمانروایی الجایتو، غازان‌خان، خواجه رشیدالدین فضل الله و قاجاریان است.

حمدالله مستوفی در کتاب نزهةالقلوب، نایین را شهری کوچک توصیف کرده که گرداگرد دژ آن، ۴هزار گام بوده است. حقوق دیوانی شهر، در نیمه نخست سده هشتم، ۲تومان و ۲۰۰دینار بود (رک: مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۴).

در سال ۷۴۴ هجری، زمانی که شهر، بارویی داشته که تا اندازه‌ای آن را از گزند مهاجمان در امان نگه می‌داشته است، سپاهیان اشرف افغان، در آن تاخت و تاز کردند. با تثبیت اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در زمان فرمانروایی صفویان، اقتصاد شکوفا شد و نایین نیز از این دگرگونی‌ها بی‌بهره نماند. گویا در همین دوره، بخشی از باروی شهر را نوسازی و بناهایی تازه به پا کردند.

نایین در منابع تاریخی، تا سده چهاردهم، قصبه خوانده می‌شد. گویا پس از سال ۱۳۲۰ خورشیدی، به‌گونه‌ای ضمنی، جزو شهرهای کشور به شمار آمده و در سال ۱۳۲۷ رسماً شهر شناخته شده و فرمان‌داری در آن برپا گشته است؛ گرچه نهادهای اداری پیش از این تاریخ و از سال ۱۳۰۰ به بعد، تأسیس شده بود.

### ۳.۱. جایگاه گویش نایینی در خانواده گویش‌های مرکزی ایران

گویش‌های مرکزی ایران که در منطقه‌ای میان اصفهان، تهران، همدان و یزد رواج دارد، شامل شش گروه زیر است:

۱. گروه شمال غرب در غرب جاده قم-اصفهان: خوانساری، محلاتی، وانشانی...؛

۲. گروه شمال شرقی در منطقه کاشان و نطنز: آرنی، ابوزیدآبادی، ایبانه‌ای، بادرودی، تاری، جوشقانی، سویی، فریزندی، قهرودی، کشه‌ای، میمه‌ای، نطنزی، گویش یهودیان کاشان...؛
۳. گروه جنوب غربی در اصفهان: سده‌ای، کفرانی، گزی، ورزنه‌ای، گویش یهودیان اصفهان...؛
۴. گروه جنوب شرقی: اردستانی، انارکی، زفره‌ای، نایینی، گویش زردشتیان کرمان و یزد (بهدینی)، گویش یهودیان کرمان و یزد...؛
۵. گویشهای منطقه تفرش: آشتیانی، آمره‌ای، الویری، کهکی، وفسی، ویدری...؛
۶. گویشهای دشت کویر: خوری، فروی (فرویگی)، مهرجانی... .

#### ۴. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «بررسی گویش نایینی» برگرفته شده است. پیکره زبانی این گویش به روش میدانی و گفت‌وگو با گویشوران محلی ساکن شهر نایین (مرکز شهرستان) گرد آمده است. بیشتر آنان مرد و در رده‌های سنی ۲۵ تا ۶۵، دارای دیپلم تا تحصیلات دانشگاهی و دو تن نیز بیسواد بودند. سپس تحلیلی مقایسه‌ای، به شکل ارائه جفت‌های کمینه و برابره‌های فارسی آن‌ها انجام گرفت.

#### ۵. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در باره گویش نایینی، به سال ۱۸۹۶ بازمی‌گردد. در این سال، آمده کری، در مقاله‌ای کوتاه و پراشتباه، شماری از صورت‌های صرفشده فعل‌ها و چند ترکیب و اصطلاح را در ۱۶۰ صفحه گرد آورد.

پس از وی، ویلهلم گایگر، پژوهش‌گری را پایه مطالعه خود در مبحث گویش‌های مرکز ایران قرار داد. به عقیده او، گویش نایینی با گویش‌های منطقه کاشان و به‌ویژه زفره-ای خویشاوندی نزدیک دارد.

ولادیمیر ایوانف، در سال ۱۹۲۶ در مقاله‌ای، گویش‌های انارک و خور را بررسی کرد. ایوانف در سال ۱۹۲۹ در مقاله‌ای دیگر در باره گویش‌های خور و مهریجان، بسیار فشرده و در یک صفحه، فهرستی از فعل‌ها و واژه‌های این گویش را به دست داد. نخستین پژوهشی که ایرانیان در باره این گویش انجام داده‌اند، کتابی است با عنوان فرهنگ نایینی، نوشته دکتر منوچهر ستوده. این کتاب با آن که از بسیاری لغزش‌های دانشمندان پیش گفته تهی است، کاستی‌هایی نیز دارد.

نخستین توصیف گویش نایینی بر پایه معیارهای زبان‌شناختی، پایان‌نامه نگارنده با عنوان بررسی زبان‌شناختی گویش نایینی (توصیف کلی) است که در سال ۱۳۷۲، به راهنمایی دکتر یدالله ثمره و دکتر علی‌محمد حقشناس، به گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران تقدیم شد.

پایان‌نامه رضا آقابابایی بادافشانی با عنوان تحقیق تاریخی پیرامون واژه‌های اصیل گویش نایینی، به راهنمایی دکتر بدرالزمان قریب در سال ۱۳۷۰، به گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران تقدیم شده است. وی پس از ذکر جایگاه این گویش در خانواده زبان‌های ایرانی و فشرده‌ای از ساختمان دستوری آن، به بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های سره پرداخته و ارتباط آن‌ها را با زبان‌های میانه و باستانی ایرانی نشان داده است.

محمدتقی جامع نایینی در کتاب خود با عنوان ویژگی‌های زبان محلی نایین، به توصیف موقعیت تاریخی و جغرافیایی این شهر، یادمان‌های باستانی، واژه‌ها، مصدرها، فعل‌ها، صرف مصدرها و مثل‌های گویش نایینی پرداخته است.

## ۶. هدف از پژوهش

هدف این مقاله پژوهشی، استخراج واج‌های گویش نایینی از راه مقایسه جفت‌های کمینه، توصیف ویژگی‌های آوایی هر یک از واج‌ها و ارائه ساختمان واجی این گویش است.

## ۷. واجشناسی گویش نایینی

### ۱.۷. استخراج واج‌ها

برای این کار، روش تقابل جفت‌های کمینه به کار می‌رود. هر واج از نظر جای‌گیری، باید در آغاز و میانه و پایان تکواژ بررسی شود، اما چون توزیع آن‌ها در همه جایگاه‌ها کامل نیست، واج‌هایی تحلیل می‌شوند که با واج مدنظر، هم‌اندی فراگویی داشته باشند.

### ۲.۷. واج‌های گویش نایینی

این گویش، ۲۱ واج هم‌خوان و ۶ واج واکه‌ای دارد. با توجه به نقش کشش، واج‌گونه‌های کشیده نیز در برخی بافت‌های آوایی نمود می‌یابد.

### ۱.۲.۷. واج‌های هم‌خوانی

واج هم‌خوانی به شرح زیر شناخته می‌شود:

واج /p/

p/b

pend/bend (بند/ محتویات درون شکم) - pus/bus (بوسه/ پوست) - pe:/be (به/

پی؛ بن).

p/m

pešt/mešt (انباشته / پشت) - pas/mas (بزرگ / پس) - pol/mol (گردن / پل) -  
pâya/mâya (مادینه؛ مایه / آذرخش).

p/f

pend/fend (نیرنگ / محتویات درون شکم) - pis/fis (باد غرور / لکه).

pil/fil (فیل / پول).

p/t

pi:/ti (چربی؛ پیه / تیغ؛ خار) - piyâla/tiyâla (پیاله؛ جام / گونه‌ای رستنی بیابانی).

pel/tel (چوب کوچکتر در بازی الک و دولک / شکم).

pâra/târa (پاره؛ برخی؛ بخشی / می‌آورد).

/b/ واج

b/v

ber/ver (در؛ بیرون / سو؛ کنار) - bâ:/vâ (بابا / باد) - biyâr/viyâr (برادر؛ بیدار /

تنه‌لش).

b/m

barta/marta (بُرده / مُرده) - bâl/mâl (بال / مال؛ چهارپایان بارکش).

barq/marq (برق / گونه‌ای گیاه پیش‌رونده) - bi/mi (دیگر؛ بود / من؛ ضمیر اول

شخص مفرد).

bâdiyon/mâdiyon (دانه‌ای سبزرنگ و خوش‌بو که روی خمیر نان می‌پاشند /

مادیان).

b/t

daba/dada (روغندان مسین / دایه؛ پرستار کودک) - ber/der (در؛ بیرون / درون؛

اندرون).

bona/dona (بار و بنه / دانه) - bi/di (دیگر؛ بود / این).

/t/ واج

t/d



tulâ/dulâ (گوشت کفدار و نامرغوب / دود غلیظ) - tenda/dende (هسته / دنده) -  
tong/dong (کوزه دهانه گشاد / دانگ).

t/k

kart/kark (تکه‌ای از زمین کشاورزی / مرغ خانگی) - lata/laka (مجموعه  
چندکرت / لنگه کفش).

t/g

tira/gira (توبره / گیره درودگری) - gol/tol (کُل / پُرز) - donda/gonad (زنبور /  
بزرگ).

t/x

toy/xoy (توت / خود؛ با؛ همراه).

/d/ واج

d/p

dot/pot (دختر / موی نرم و تُنک) - dey/pey (دی‌ماه / پدر) - de:n/pe:n (دهن /  
گسترده؛ پهن / مدفوع چهارپایان) - del/pel (دل / چوب کوچکتر در بازی الک و دولک).

d/n

.du:nu (دوغ / نان) - dim/nim (چهره؛ دک ودهان) - dêr/nâr (دستگاه قالی بافی؛  
آویخته / انار).

d/y

berdon/baryon (درپوش / بریان) - dêver/ yâver (داور / استوار؛ اور).

/f/ واج

f/v

fis/vis (باد غرور / بیست) - fâl/vâl (فال / جوال؛ کیسه بزرگ گندم و جو) - fet (o  
f) /vet (پج / پج / همراه؛ هم‌پا).

/v/ واج

v/m

vêšt/mešt (بارش / انباشته). - (باد / مادر؛ ماه) vasa/masa (دوست می‌دارد / بزرگ) - vešt/mešt

/s/ واج

s/z

sili/zili (سیلی / زالو) - sendon/zendon (سندان / زندان) - seng/zeng (سنگ) / زنگ).

masa/maza (بزرگ / مزه) - ves/vez (کافی / دُو؛ بن فعل دویدن، ivez بدو).

s/š

vis/viš (بیست / پنبه درآورده شده از غوزه همراه با پنبه‌دانه) - si/ši (سی / می‌روم، می‌روی).

saq/šaq (کام / سفت؛ استوار؛ محکم).

s/č

si/či (سی / چه؛ نشانه پرسش) - sor/čor (ناودان / آلت تناسلی در زبان کودکانه) - seng/čeng (سنگ / چنگ) - vasa/vača (دوست می‌دارد / بچه).

/z/ واج

z/š

zeng/šeng (زنگ / گیاه بیابانی و خوردنی) - zona/šona (می‌داند / شانه) - moz/moš (مزد / موش) - zulâl/šulâl (زالال / دسته موی مرتب).

z/č

zeng/čeng (زنگ / چنگ) - zina/čina (می‌زند / دیوار گلی) - zi:/či: (زود / چیز؛ دارایی).

z/j

zeng/jeng (زنگ / جنگ) - zur/jur (زور / کرم خورده / فاسد) - sâz/sâj (ساز؛ آلت موسیقی / سازنده؛ صفحه گرد آهنی برای پخت نان) - zey/jey (زدن؛ زه کمان درودگری و پنبه‌زنی؛ شیر زن یا حیوان تازه‌زاییده؛ شیره درخت و بوته).

/š/ واج

š/č

šeng/čeng (گیاه بیابانی و خوراکی / چنگ) - šona/čona (شانه / چانه خمیر).  
om/čomš (شام / باد سرد زمستانی همراه با دانه‌های ریز برف) - šola/čola  
(گونه‌ای سوپ / پنبه حلاجی شده؛ موی سپید) - šara/čara (ژنده / می‌چرد) -  
kiša/kiča (می‌کشد / کوچه).

/č/ واج

j/č

čom/jom (باد سرد زمستانی / جام برنجی دهانه‌گشاد برای زیر شیر سماور) -  
čen/jen (چند / زن؛ جن و پری) - ču:/ju: (چوب / جوی).

/j/ واج

j/y

jur/yrur (کرم‌خورده؛ فاسد / بیا) - ji/yi (نیز / می‌آیم؛ می‌آیی) - vâj/-vây (آواز؛  
صدا / آباد) - jen/yen (زن / می‌آیند) - ruja/ruya (روزه / روده) - sâja/sâya (می‌سازد /  
سایه).

/k/ واج

k/g

kart/gart (پاره‌ای از زمین کشاورزی / گرد و خاک؛ غبار) - gumon/kumon  
(گمان / کمان) - iger/iker (اگر / بکن).

k/x

kiya/xiya (خانه / خایه) - kers/xers (پهن آمیخته با کود / خرس) - yak/yax  
(یک / یخ) - kira/xira (کوره / خیره؛ چشم‌چران) - mok/mox (عمل مکیدن / مخ).

k/q

kombol/qombol (تنبل / کیل) - kuz/quz (پوک؛ بیدانه / گوژ) - kas/qas  
(کوچک / قصد؛ عمد) - ki:/qi: (کدو / جیغ و داد) - kulâ/qulâ (کلاه / کلاغ) - tâk/tâq  
(گشوده / سقف) - bâk/bâq (باک؛ ترس / باغ).

k/č

ka:/ča (کاه / چاه) - kâya/čaya (بازی / سرماخورده) - pik/pič (پوک / بن مضارع

پنختن؛ پیچ).

واج /g/

g/q

marg/marq (مرگ / گونه‌ای رستنی پیش‌رونده) - giva/qiva (گیوه / قبا) -

gend/qend (گند / قند).

واج /x/

x/q

xolfa/qolfa (گونه‌ای سبزی خوراکی؛ خرفه / جایگاه سوکواران درگرداگرد حسینیه؛

خرفه) - xem/qem (خَم / غم) - bix/biq (بیخ / بوق).

x/h

xer/her (خر / هر) - xoy/hoy (خود / هان؛ آهای؛ آری) - xâla/hâla (خاله / نوزاد).

xendi/hendi (می‌خندم، می‌خندی) - how/xow (هو؛ داد و فریاد / خواب؛

خواهر) - hâlu/xâlu (ساده‌لوح / دایی).

واج /q/

←q/x /x/

←q/k /k/

واج /l/

l/r

laxt/raxt (صخره / رخت) - sel/ser (بیماری سل / سَر) - kalu/karu (خمیده؛

چوب دوشاخهٔ انارچینی / کپک، تار عنکبوت) - salt/sart (سطل / نردبان) - r/âlâ (بد / آل؛

موجودی خیالی) - tura/tula (شغال / توله) - kar/kal (ناشناوا / نیش) - reng/leng

(رنگ / لنگه؛ گام بلند؛ معطل).

tila/tira (تکه‌های سفال شکسته؛ مهره‌های سنگ یا شیشه‌ای اسباب‌بازی کودکان /

توبره).

واج /r/

/l/ ← r/ واج

واج /y/

/j/ ← y/ واج

واج /h/

/x/ ← h/ واج

واج /m/

m/n

čom/čon (باد سرد زمستانی / خرمن کوب) - ma:r/na:r (شاخه نورسته کمتر از یک

سال / جوی بزرگ) - dim/din (چهره؛ صورت / این؛ او؛ ضمیر شخصی مفرد حاضر) -

mâya/nâya (ماده؛ مایه / نهاده) - mâ/nâ (ما، ضمیر / گلو) - mâr/nâr (مار / انار).

واج /n/

n/m ← واج

n/d

nâr/dâr (انار / آویخته) - nim/dim (نیم / چهره) - nu:/du (نان / دوغ) - nir/dir

(نور / دور؛ دیر).

## ۲.۲.۷. واج‌های واکه‌ای

### ۱.۲.۲.۷. واکه‌های ساده

این واج‌ها از تقابل‌های زیر بازشناخته می‌شوند:

واج /i/

i/u

pir/pur (پیر / پسر) - xâli/xâlu (خالی / دایی) - tira/tura (توبره / شغال) -

tila/tula (تکه‌های سفال شکسته؛ مهره سنگی اسباب‌بازی / توله).

واج /e/

e/a

kel/kal (کلید / نیش) - tel/tal (شکم / چادر شب پنبه‌ای) - ves/vas (کافی / بن

مضارع دوست داشتن) - qes/qas (قسط / عمد؛ قصد).

واج //a

a/e ← واج /e/

a/â

ar/âr (آسیاب / بد) - gala/gala (رمه / گودال) - kâkâ/kaka (مدفوع / برادر) -

mas/mâs (بزرگ / ماست).

واج /u/

u/i ← واج /i/

واج /o/

o/u

xora/xura (بیماری جذام / می خورد) - sor/sur (ناودان / میهمانی؛ جشن) -

tora/tura (می غلتد / شغال).

واج /â/

â/a ← واج /e/

â/o

pâra/pora (پاره / پسر؛ پسرک) - xârna/xorna (می خارانند / می خوراند) -

mâl/mol (دارایی؛ چهارپایان بارکش) - târa/tora (می آورد؛ خواهد آورد) / می غلتد؛

خواهد غلتید).

واج گونه‌های کشیده ← توزیع واژه‌ها

### ۲.۲.۲.۷. واکه‌های دوگانه

۱.۲.۲.۲.۷. واکه‌های دوگانه‌ای که بخش دومشان /w/ است؛

iw/ - šiw/

ew/ - tew/

aw/ - maw/

ow/ - row/

âw/ - bâwjâr/

۲.۲.۲.۲.۷. واکه‌های دوگانه‌ای که بخش دومشان /y/ است.

ey/ - nimey/

ay/ - say/

oy/ - xoy/

ây/ - pâyn/

### ۳.۷. توزیع واج‌ها

#### ۱.۳.۷. توزیع هم‌خوان‌ها

آغازی، میانی، پایانی

p/purošnačapulkop/

b/boxsu dabiligomb/

m/makyomukom/

n/nimarzintirendavârin/

t/tirappapâxtidot/

d/dondagondujxirend/

f/firaxkaftintif/

v/varf/vafrjivendatew/

s/sartsisalatexs/

z/zorakuâzâmuyuz/

š/šewsârêškviš/

č/čomvačaqonč/

j/jimeyjijaponj/

k/ kâya oškonuvinok/

g/guwâssašigendavong/

x/xâsrigvexnerterx/

q/qulâ:tiqarsdulâq/

l/lonjmulenjmol/

r/ro:mba:raâwr/

y/yongakuyajey/

-h/huronupahin/

### ۲.۳.۷. توزیع واکه‌ها

آغازی، میانی، پایانی

i/išačakiya âyi/

e/egenbersige/

a/armasavâryona/

u/ujâqčurukkalu/

o/ollučon go/

â/âyoršâverzomâ/

i:/i:rini- pi/

:e:/e:njive:rke/

:a:/a:vâta:lra/

:u:/-zu:ndu/

:o:/o:râširo:nako/

:â:/-bâ:rmâ/

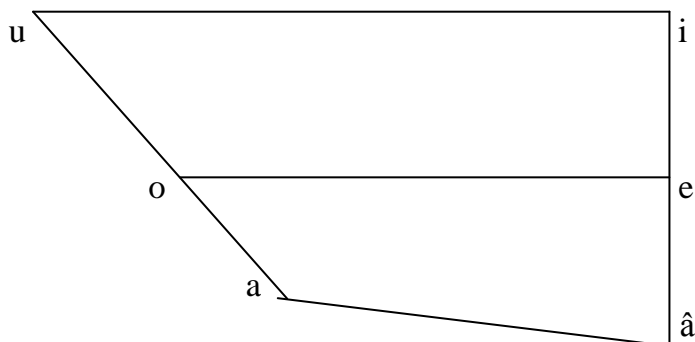


واجگاه فراگویی	دوبلی	لیبی دندانی	دندانی	لثوی	پس‌لثوی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی
انفجاری	p b			t d			k g	q	
خیشومی	m			n					
لرزشی				r					
سایشی		f v		s z	š			x	H
واکه‌گونه						Y			
واکه‌گونه کناری				l					
انفجاری سایشی						č j			

جدول ۱. واجگاه و شیوه فراگویی همخوان‌ها.

### ۳.۳.۷. نظام واکه‌ها در نمودار ۱ (نمودار زیر)

۱. برای هر واکه ساده، یک واج‌گونه کشیده وجود دارد.
۲. وقوع واج‌گونه‌های کشیده را می‌توان پیش‌بینی کرد.
۳. واکه‌های ساده پیش از واج /h/ (ه) و /ʔ/ (همزه)، همواره به گونه‌های کشیده نمود می‌یابد.
۴. در تکواژهای بومی نایینی، کشیدگی واکه در تکواژهایی دیده می‌شود که در برابر فارسی آن‌ها، پس از واکه، یک هم‌خوان پایانی وجود داشته باشد.
۵. توزیع واکه‌های کشیده در جایگاه‌های آغازی و میانی و پایانی تکواژهای بومی کامل نیست و تنوع چندانی ندارد (نک: توزیع واکه‌ها).



نمودار ۱. واکه‌های گویش نایینی.

## کتابنامه

۱. پورعابدی نایینی (۱۳۷۲). سیدحسین، بررسی گویش نایینی (توصیف کلی)، پایان‌نامه در رشته زبان‌شناسی همگانی.
۲. ثمره، یدالله (۱۳۶۴). آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجاها، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. جامع نایینی، محمدتقی (۱۳۸۳). ویژگی‌های زبان محلی نایین، دستور زبان و ضرب‌المثل‌ها، اصفهان: مهر قائم.
۴. ستوده، منوچهر (۱۳۶۵). فرهنگ نایینی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۷). «فرهنگ نایینی؛ نقد و معرفی کتاب»، مجله زبان‌شناسی، س ۳، ش ۲، ص ۱۱۹ تا ۱۲۷.
۶. کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵). شهرهای ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب، به تصحیح گئی لسترچ، تهران: دنیای کتاب.
۸. معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، چ ۷، تهران: امیرکبیر.
۹. [مؤلف ناشناس] (۱۳۷۲). به تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران: دانشگاه